

اما وقتی در کمپ دیوید بودیم، همانطور که هر کسی که با من آنجا بود می‌داند، هیچ‌کدام از ما فکر نمی‌کردیم که به توافق برسیم و مردم مدام در مورد کمپ‌دیوید طوری می‌نویسند انگار که یک شکست بوده است. در واقع کاملاً موفق بود. مشکل این بود که وقتی ما با عرفات سر و کار داشتیم، آنها دولتی نداشتند، فرآیندی نداشتند و چیزی جز همکاری صلح و امنیت برای ارائه نداشتند. سال ۱۹۹۸ اولین سال در تاریخ اسرائیل بود که هیچ‌کس در یک اقدام تروریستی کشته‌نشده؛ نه یهودی و نه فلسطینی. دلایل این بود که ما از نزدیک با سازمان سیا، وموساد، وفلسطینی‌ها همکاری می‌کردیم. بنابراین کاری که من سعی داشتم انجام دهم، تغییر کل روانشناسی مذاکره‌کنندگان فلسطینی بود، زیرا آنها عادت داشتند تا پنج دقیقه مانده به نیمه‌شب «نه» بگویند، زیرا تنها چیزی که باید می‌دادند صلح و همکاری بود. بنابراین آنها فکر می‌کردند قرار است زمین و چیزهای دیگر را از دست بدهند و من مدام می‌گفتم، این طور نیست. شما باید «بله» بگویید. ما هرگز به نتیجه نمی‌رسیم مگر اینکه شما هم «بله» بگویید. بنابراین ما تا جایی که می‌توانستیم به صلح نزدیک شدیم. تقریباً شش هفته قبل از اینکه کاخ سفید را ترک کنیم یاسر عرفات به تنهایی به دیدن من آمد. دیدار کاملاً خصوصی بود. می‌توانید بگویید من این را از خودم می‌آورم (خنده) که ما هیچ یادداشت‌برداری نداشتیم. هیچ‌کس غیر از ما در اتاق نبود. فقط من و او.

و من گفتم، ببینید، من فرصتی دارم که به کره شمالی بروم و به برنامه هسته‌ای و موشکی آنها پایان دهم. اما یک رئیس جمهور آمریکایی نمی‌تواند برای اولین بار از زمان پایان جنگ کره، سرزده به کره شمالی برود. گفتم، باید به کره جنوبی بروم، و بعد به سراغ ضامن‌ها - دیگر ضامن‌های پیمان، چین و روسیه، که هر دو در آن زمان دولت‌های بسیار متفاوتی داشتند و باید به ژاپن بروم، چون هنوز زندانیان ژاپنی در زندان‌های کره شمالی هستند. عرفات گفت، چقدر طول می‌کشد؟ گفتم، اگر نخواهم، یا فقط در هواپیما بخوابم، حداقل دوازده روز در تمام سال‌هایی که می‌شناختمش این تنها باری بود که گریه کرد. شاید فکر کنید آدم بی‌صدافتی بود. اما به شما می‌گویم، من انواع و اقسام چیزها را با او تجربه کرده بودم و چیزی که فهمیدم این بود که او خیلی احساساتی می‌شد و خیلی چرند می‌گفت، اما در حرف‌هایش محتاط بود. هر بار که سعی می‌کردم در مورد چیزی موافقتش را بگیرم، احساس می‌کردم که دارم برای خرید یک فرش در بازار مراکش چانه می‌زنم. (خنده) اما او گریه کرد و گفت، تو نباید این کار را بکنی. گفتم چرا، چون می‌خواهی این معامله را بپذیری و می‌خواهی طوری به نظر برسد که انگار من تو را مجبور به انجامش می‌کنم؟ او گفت، بله. گفتم، باشه. باید از تو دو سوال بپرسم. اول از همه، فکر می‌کنی من به فرزندان‌ت اهمیت می‌دهم؟ او گفت، آره، بله. تو خیلی بیشتر از اعراب به ما اهمیت می‌دهی. ما فقط در صورتی برایشان مفید هستیم که مردم‌شان، اسرائیل و آمریکا را به جای حاکمان خودشان سرزنش کنند.

گفتم، باشه، اما فکر می‌کنی من به فرزندان‌ت اهمیت می‌دهم؟ او گفتم، خیلی بیشتر از اعراب. گفتم، باشه. تنها چیزی که به من بدهکاری حقیقت است. این مسئولیت توست، آینده تو. تو رهبر هستی. من نمی‌توانم تو را مجبور به قبول این معامله کنم. می‌خواهم به همه یادآوری کنم که در توافق نهایی چه چیزهایی وجود داشت. آنها می‌توانستند پایتختی در اورشلیم شرقی، کنترل دو بخش از چهار بخش شهر قدیمی، ۹۶ درصد از کرانه باختری فراتر از مرزهای سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۶، ۴درصد از اسرائیل - که فلسطینی‌ها می‌توانستند انتخاب کنند- به دست آورند. اگر فضای بیشتری برای زندگی می‌خواستند، می‌توانستند آن را در شمال غزه بگیرند. اگر زمین بیشتری برای کشاورزی می‌خواستند، می‌توانستند آن را در مجاورت کرانه باختری بگیرند. آن موقع صدام حسین هنوزبود. اسرائیلی‌ها به آنها دسترسی برابر هفت روز هفته و بیست و چهار ساعته به پست شنود که از خارج از اورشلیم شروع می‌شد و تا ارتفاعات جولان امتداد داشت، پیشنهاد دادند و به آنها پیشنهاد دادند که هر نیروی بین‌المللی که در شرق به عنوان مانعی در برابر اتفاقات احتمالی مستقر شود، تأیید شود و دسترسی مستقیم بین کرانه باختری و غزه و یک فرودگاه و بسیاری چیزهای دیگر. این یک معامله‌ی عالی بود. گفتم، تنها چیزی که از تو می‌پرسم و فقط باید حقیقت را به من بگویی این است که آیا این کار را انجام خواهی داد یا نه؟ او گفت، اگر وقتی در قدرت هستی این کار را نکنیم، ممکن است پنج، ده، پانزده، شاید بیست سال طول بکشد تا فرصت دیگری پیدا کنیم. البته که من این کار را خواهم کرد. الان بیست و پنج سال گذشته. بنابراین یکی از بزرگ‌ترین چیزهایی که باید در هر موقعیت مسئولیتی درباره‌اش تصمیم بگیرید این است که آیا بهترین معامله ممکن را انجام داده‌اید یا نه؟ همه این چیزهایی که به شما گفتم، غیر قابل تصور است که بتوانید امروز آنها را به دست آورید. چون حالا دیگر زمینی وجود ندارد و بیشتر آن به عنوان یک استراتژی سیاسی توسط آقای نتانیاهو گرفته شده تا او بتواند در قدرت بماند و من نمی‌دانم چه اتفاقی قرار است بیفتد.

«اما با همه این اوصاف، آیا فکر می‌کنید تاریخ در مورد یاسر عرفات بد قضاوت می‌کند؟ زیرا همانطور که می‌گویید، توافقی که او به آن پاسخ مثبت نداد، دیگر حتی نزدیک به مطرح شدن هم نیست.

کلینتون: فکر می‌کنم او یک اشتباه دیوانه‌وار مرتکب شد. همچنین فکر می‌کنم که او به حمایت اخلاقی و سایر حمایت‌ها از سوی سایر کشورهای عربی نیاز داشت. وزیر امور خارجه مراکش به من گفت که عرفات به او گفته بود که قرار است این توافق را بپذیرد. شاهزاده بندرین سلطان به من گفت که عرفات به او گفته بود که قرار است این توافق را بپذیرد و حتی امروز، پس از این همه سال، کاملاً مطمئن نیستم که چه اتفاقی افتاده است. من باور نکردم وقتی گفت قرار است این کار را انجام دهد، فکر می‌کردم که به من دروغ می‌گوید.

«اما می‌توان گفت نتایج صلح در ایرلند شمالی بهتر بود و در سال ۱۹۹۸، با جورج میچل به عنوان نماینده شما، به توافق بلغاست رسیدید که اساساً به سه دهه مشکل پایان داد. فکر

می‌کنید چرا در ایرلند شمالی موفق شدید، در حالی که در خاور میانه موفق نبودید؟

کلینتون: اول از همه، فکر می‌کنم دو طرف می‌خواستند راهی پیدا کنند

«دو طرف وارد شدند؟

در ایرلند شمالی اینطور بود فکر می‌کنم آنها واقعاً می‌خواستند راهی برای ترک مخاصمه پیدا کنند. بریتانیا با این موضوع طوری رفتار کرد که انگار فقط مسئله خودشان است و اگر ما رابطه ویژه‌ای داشتیم، بدیهی است که باید هر کاری که آنها می‌خواستند انجام می‌دادیم. چون ما بزرگ‌ترین جمعیت ایرلندی‌های مهاجر را داشتیم و ممکن بود اتفاقی بیفتد که شرایط آنها وحشتناک شود. اما رهبران دو طرف می‌خواستند که کار پیش برود. هر مذاکره‌کننده‌ای می‌تواند عالی عمل کند اگر ایده‌های خوبی داشته باشد و افرادی داشته باشد که با خُسن‌نیت عمل می‌کنند، و اگر چیزهایی داشته باشد که بتواند برای هر دو طرف روی میز بگذارد ممکن است محاسبات طرفین را تغییر دهد. من چند روز پیش مقاله جالبی خواندم که این را می‌گفت: در مورد اینکه دستیابی به صلح پایدار چقدر دشوار بوده است صحبت می‌کرد و در مقاله آمده بود که تنها دو توافق صلح در سی سال گذشته منعقد شده و هنوز یابر جا هستند، صلح ایرلند و توافق دیتون.

«در حال حاضر با این تحولات آزمایشی در خاور میانه که در اوایل اکتبر شاهد آن بودیم، و بالاخره آتش‌بس و بازگشت گروه‌گان‌ها، آیا چشم‌اندازی برای گسترش آن روزنه کوچک به چیزی که بتواند در طول زمان در جهت درست حرکت کند، می‌بینید؟ و اگر چنین است، به چه چیزی بستگی دارد؟ آیا این موضوع به جاه‌طلبی ترامپ برای جایزه صلح نوبل مربوط می‌شود؟ آن روزنه احتمالی را کجای می‌بینید، اگر وجود داشته باشد؟

توافق نامه‌های ابراهیم چه بودند؟ دسته‌ای از کشورهای عربی بودند که می‌گفتند، ما خیلی بیشتر به تجارت با اسرائیل علاقه‌مندیم تا جنگ با آن و سپس سعودی‌ها، که هنوز معتقدند به نوعی مسئولیت دینی دارند و گفتند ما نمی‌توانیم فلسطینی‌ها را نادیده بگیریم. من در زندگی‌ام زمان زیادی را صرف این موضوع کرده‌ام. نمی‌دانم آیا کسی به اندازه کافی به آنها اهمیت می‌دهد یا نه. من قبول دارم که آنها به یک راه حل نیاز دارند. آنها به یک راه‌حلی نیاز دارند که لازمه‌اش فروپاشی اسرائیل نباشد. یا اینکه نیاز است یک دولت جدید در اسرائیل بر سر کار بیاید که احتمالاً نخست‌وزیری داشته باشد که مجبور نباشد به زندان برود.

«شما از نزدیک با مارتین ایندیک در کمپ دیوید همکاری داشتید. من هم همین‌طور. آیا آنچه که ما در کمپ دیوید روی آن کار کردیم دیگر امکان‌پذیر نیست؟ موضع ایالات متحده در مورد حل دائمی مشکل اسرائیل و فلسطین چه باید باشد؟ ما به موضعی معتبر نیاز داریم و برای رسیدن به آن تلاش خواهیم کرد. آیا اساساً این تصور را که دکشور ی چیزی شبیه به آن دیگر امکان‌پذیر نیست، کنار گذاشته‌اید؟

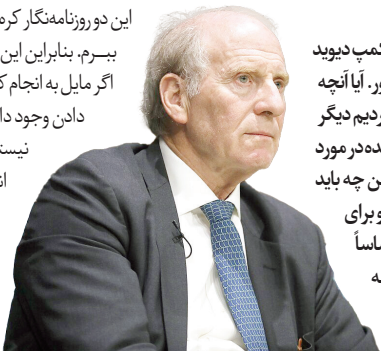
نه! اما فکر می‌کنم نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که تصادفی نیست که وقتی حماس به اسرائیل حمله کرد، به کیبوتص‌هایی حمله کرد که بیشترین درصد افرادی را داشتند که مشتاقانه خواهان راه‌حل دوکشوری بودند و حاضر بودند زمین بدهند و این‌ها کسانی بودند که حماس به آنها حمله کرد و آنها این کار را تا حدودی به این دلیل انجام دادند که همیشه بیشتر به دنبال غیرقابل سکونت کردن اسرائیل بوده‌اند تا محافظت از منافع فلسطینی‌ها. من چندین مطلب خوب خوانده‌ام که ممکن است پتانسیل این را داشته باشند که به این سوال پاسخ دهند که مثلاً چگونه زمین می‌تواند به هر دو تعلق داشته باشد. ما باید به چیزی فکر کنیم که هنوز پیشنهاد نشده است. در زندگی شخصی و سیاسی خود، تا حد امکان، به استدلال‌های جدید، نه قدیمی، یا روش جدیدی برای تفکر نیاز داریم که حداکثر صداقت و معنا را برای افراد در همه طرف‌ها حفظ کند.

«کنج‌کاووم بدانم که آیا رئیس‌جمهور سابق یودن سرگرم‌کننده‌تر از رئیس‌جمهور بودن است یا خیر. دلایل شخصی برای پرسیدن در مورد این موضوع دارم. چه در مورد مسائلی که امروز در مورد آنها صحبت می‌کنیم، چه در داخل کشور، یا هر دو...

خب، فکر می‌کنم اول از همه، اگر قرار است رئیس‌جمهور سابق باشید، سوال این است که چندانل دارید و از چه سطحی از سلامتی برخوردار هستید؟ اما اگر احساس خوبی داشته باشید، فکر می‌کنم بیشتر مادیوانه‌می‌شویم اگر فقط بنشینیم، یا گلف بازی کنیم، یا هر کار دیگری. بنابراین من تصمیمی گرفتم که احتمالاً امروز به دلیل تفاوت در سیاست‌های جهانی و سیاست‌های آمریکایی نمی‌توانستم بگیرم. اما تصمیمی گرفتم که می‌خواستم کاری در مورد ایدز انجام دهم. می‌خواهم به‌طور کلی در مورد سلامت جهانی کاری انجام دهم و می‌خواستم فرصت‌های اقتصادی و آموزشی بیشتری را در آمریکا و سراسر جهان ترویج دهم و من تازه کار را شروع کردم. بنیاد من هنوز هم قرار دادهای بیش از نیمی از داروهای ایدز در جهان را می‌نویسد. ما تازه شروع به انجام کار کردیم زیرا هیچ‌کس دیگری این کار را انجام نمی‌داد. من تازه وارد کار شدم.

وقتی جایی می‌روی و شروع به کار می‌کنی، چیز دیگری پیش می‌آید. من تجربه زیادی در بلایای طبیعی داشتم، بنابراین رؤسای‌جمهور از من خواستند که بعد از سونامی در جنوب آسیا و سپس بعد از زلزله در Haiti کمک کنم. سپس دولت کره شمالی گفت که فقط در صورتی این روزنامه‌نگار کرای-آمریکایی را آزاد می‌کند که من آنها را بپرسم. بنابراین این کار را انجام دادم. اما من تازه فهمیدم که اگر مایل به انجام کاری باشید، همیشه کاری برای انجام دادن وجود دارد. اما باید بدانید که دیگر رئیس‌جمهور نیستید. اگر رئیس‌جمهور نمی‌خواهد کاری انجام دهید که شامل عرصه بین‌المللی می‌شود، تقریباً وظیفه دارید که آن را انجام ندهید و فکر می‌کنم، شما فقط می‌توانید در یک زمان یک رئیس‌جمهور داشته باشید.

ترجمه: آرنا صدیقی



دیپلمات‌ها



نباید زندانی گذشته بمانیم

«محمد جواد ظریف» در پتل «دیپلماسی در زمان جنگ و آینده منطقه» در بغداد تصریح کرد: نتایج هشت دهه تجاوزگری مداوم رژیم صهیونیستی در منطقه برای همه کاملاً روشن است. هیچ‌کس جز این رژیم نمی‌تواند مسئول این همه مشکلات و بحران‌ها در منطقه ما باشد. ظریف، در بخشی از سخنان خود در این نشست با اشاره به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه اظهار کرد: در گذشته اسرائیلی‌ها وانمود می‌کردند که مشکل ایران است و آنها با ایران می‌جنگند، اما امروز آنها در سوریه همچنان می‌جنگند. چرا آنها امروز به سوریه حمله می‌کنند؟ آیا ایران در سوریه حضور دارد؟ این یکی از نمونه‌هایی است که به طور دقیق به شما می‌گوید ریشه‌های مشکل در منطقه ما چیست. او با اشاره به اینکه دو گزینه و دو راه پیش روی ما در منطقه قرار دارد، گفت: راه اول سخن گفتن در مورد گذشته است و راه دیگر صحبت در مورد آینده و درس گرفتن از گذشته تا اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ایم، تکرار نکنیم. اما نباید زندانی گذشته بمانیم زیرا در این صورت، نمی‌توانیم افق‌های آینده را ببینیم و اگر نتوانیم فرصت‌های آینده را ببینیم، قطعاً اشتباهات گذشته را تکرار خواهیم کرد. وی در خصوص صحبت در مورد آینده گفت: می‌توانیم کارهای زیادی انجام دهیم. من پیشنهادی را در مجله اکونومیست ارائه دادم و آن را «مودت» نامیدم، که به معنای انجمن گفت‌وگوی غرب آسیای مسلمان است. به جای خصومت، در مورد دوستی و برادری صحبت می‌کنیم. ظریف درباره موضوع فناوری هسته‌ای در منطقه گفت: ما اینجا فقط یک مشکل هسته‌ای داریم که آن هم سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل است، اما پتانسیل زیادی برای آینده داریم. استفاده مشترک از انرژی هسته‌ای برای همه ما امکان‌پذیر است؛ به همین دلیل من پیشنهادی به نام «مناره» ارائه دادم که به معنای شبکه خاورمیانه برای تحقیقات و پیشرفت هسته‌ای است. وی افزود: بنابراین، ما می‌توانیم با هم علیه سلاح‌های هسته‌ای و برای انرژی هسته‌ای همکاری کنیم. اگر ما در ایران فناوری غنی‌سازی داریم، می‌توانیم آن را با برادران عرب و مسلمان خود به اشتراک بگذاریم. اگر دوستان سعودی ما برنامه بهره‌برداری از شکافت (هسته‌ای مورد استفاده برای تولید برق در نیروگاه‌های هسته‌ای) دارند، می‌توانیم این انرژی شکافتی را با بقیه برادران خود در منطقه به اشتراک بگذاریم. می‌توان آنچه را که داریم برای منطقه‌ای بهتر با هم ترکیب کرد. همچنین تبلیغات اسرائیل را شکست خواهیم داد، زیرا اسرائیل تنها رژیمی است که سلاح‌های غیرقانونی در منطقه دارد. وی در پاسخ به سوالی پیرامون اتهام آمریکایی بودن علیه خودش افزود: من را به آمریکایی بودن متهم می‌کنند؛ در حالی که تحریم‌های آمریکا علیه من اعمال شده است، پس یک آمریکایی را تصور کنید که نمی‌تواند به آمریکا سفر کند! وی در خصوص اظهارات غیرمسئولانه برخی افراد و لزوم صراحت در بیان سیاست‌های خود به گونه‌ای که جایی برای سوءتفاهم باقی نگذارد، گفت، یادی از شهید سلیمانی نکنیم. زمانی فردی گفت «که ما چهار پایتخت عربی را تحت کنترل داریم» شهید سلیمانی بسیار عصبانی شد و گفت که این یک سخن بسیار نابجااست. شهید سلیمانی گفت که ما اینجا هستیم تا مانع از کنترل هر طرفی بر طرف دیگر شویم و برای کمک به یکدیگر تلاش می‌کنیم. ظریف تأکید کرد: ایران هیچ چشمداشتی به سرزمین یا منابع دیگران ندارد. ما از سرزمینی که داریم، از جغرافیایمان، از تاریخ‌مان و از همسایگان‌مان راضی و خرسندیم هستیم. ما مجبور به زندگی در این منطقه نیستیم، بلکه دوست داریم در این منطقه در افروذ: دلیل اینکه ما برنامه هسته‌ای خود را دنبال کرده‌ایم، عزت ما بوده است، زیرا آنها به ما گفتند که شما نمی‌توانید آن را داشته باشید. اما شما کی هستید که به ما بگویید و به ما دیکته کنید که نمی‌توانیم برنامه هسته‌ای داشته باشیم؟ آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اسرائیلی‌ها عادت دارند به دیگران بگویند چه کاری می‌توانند انجام دهند، اما شما عامل مشکلات ما هستید.